



نور نوشت

### زمین سبز

## تیلایا بخوریم یا نخوریم



سعید نبی

تحقیقاتی معتبر در دانشگاه‌های بزرگ دنیا بوده و البته شناخت کافی و لازم از محیط‌های آبی دارند. متخصصان و کارشناسان واقعی محیط زیست کشور که متولی حفظ محیط زیست بدون آن هم با جان‌های در کف دست گرفته بدون داشتن منافع مالی و...

هدسدرهایی مانند مطرح کردن این سؤال‌های بدون پاسخ که با وجود بحران آب و خشکسالی‌های شدید و کم‌آبی رودخانه‌های جاری و پایین‌رفتن سطح آب‌های زیرزمینی در سال‌های اخیر در کشور چگونه می‌توان آب را در مساحت زیاد به استخرهای خاکی منتقل کرد و با تبخیر زیاد در آینده نزدیک روزبه‌روز شورتر و شوره‌زاد شدن آب و خاک ایران عزیز را مانند فاجعه‌های دریاچه ارومیه، بختگان، شادگان و هامون به نظاره نشست؟

حال وقتی این ماهی همه‌چیزخوار از استخرها به رودخانه‌ها، تالاب‌ها و دریای خزر راه پیدا کند چه اتفاقی برای ماهیان بومی و صنایع شیلاتی می‌افتد؟ آن هم در جدالی نابرابر از نظر تکنیسر و تولیدمثل طبیعی و برهم‌زدن تعادل غذایی سایر آبزیان شیلاتی و غیرشیلاتی این مناطق به نفع خود. گونه‌ای که در سنین پایین بالغ می‌شود، تولیدمثل زیاد می‌کند، از منابع غذایی مختلف استفاده می‌کند، تغییرات شرایط محیطی مانند دما و شوری را به‌خوبی تحمل می‌کند و در نهایت قادر خواهد بود در رقابت با گونه‌های بومی پیروز شده و بسیاری از آنها را حذف کند. فاجعه‌ای که در تالاب شادگان رخ داده است.

جالب اینکه بدون توجه به سرنوشت تالاب شادگان که از ورود گونه‌ای خاص از ماهی مهاجم تیلایا دچار بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در میان بومیانش شده و بدون توجه به ورود این گونه به مخازن سدهای کشور سازمان شیلات موفق شد احتمالاً با فشار به دستگاه‌های نظارتی یا سازمان‌های دیگر برای ورود این گونه به استان‌های مرکزی و کویری یزد، قم، سمنان و خراسان جنوبی مجوز موافقت بگیرد و حوضچه‌های پرورش ماهی آنها طی مراسم‌های مختلف افتتاح شد. فارغ از اینکه چه سرنوشتی در انتظار رودخانه‌های جاری

این استان‌هاست و چه سرنوشتی در دوره‌های کم‌آبی و با تغییرات دمایی زیر ۱۰ درجه که مرگ‌ومیر گسترده آبزیان را به همراه خواهد داشت در انتظار کشور است، آن هم وقتی سدها و رودخانه‌هایی که این ماهی به داخل آنها نفوذ کرده و باعث آلوده‌شدن بسیاری از آب‌های شرب و تبدیل آنها به غیرشرب شود، حال چه کسی پاسخ‌گو است؟ (این موارد در سایر کشورهای دنیا اتفاق افتاده است).

در پایان این سؤال‌های بی‌پاسخ و برای بیدار کردن وجدان‌های شریف لازم می‌دانم برای یادآوری هم که شده اشاره‌ای به فیلم «یک شب سیاه» ساخته شبکه چهار سیما در سال ۸۴ تا ۸۷ داشته باشم که آن روزها به کمک مؤسسه تحقیقات شیلات ایران رفت تا تمامی تلاش‌ها و کمک‌های مالی و علمی داخلی و بین‌المللی را معطوف فاجعه‌ای کند که گونه مهاجم شانه‌دار که از روسیه وارد ایران شده بود، دریایی را هنوز که هنوز است به آشوب و فاجعه کشانده.

صیادان سنتی ماهی خاویاری با پیشنهاد و تشویق شیلات اقدام به خرید لنج‌های شناور کیلکا می‌کنند اما پس از مدتی هرچه پیش می‌رود ورشکسته شده و با خانواده‌هایی نگران منتظر اقدامی از طرف شیلات می‌شوند. صیادانی که با هزاران امید و گرفتن وام‌های زیاد لنجی خریده بودند و هر شب دل به دریا می‌زدند تا بتوانند با صید ماهی کیلکا نانی بر سر سفره بیاورند. اما شب‌های زیادی بود که دست خالی به خانه بازمی‌گشتند و فریادها را بر سر شیلات سر می‌دادند که چرا به خرید لنج و صید کیلکا تشویق شده‌اند. تحقیقات شیلات وارد عرصه پژوهش شد و متوجه شد جانوری مهاجم به نام شانه‌دار به این دریا راه پیدا کرده و در مدت چند سال حتی تا امروز که این یادداشت در حال نوشتن است بزرگ‌ترین ذخایر ماهیان دریای خزر را به مرحله نابودی کشانده و میلیاردها تومان خسارت به صنایع شیلات و جامعه صیادی شمال ایران وارد کرده است.

در پایان لازم است تاکید کنم بسیاری از یک گونه خاص این ماهی تیلایا در فاضلاب‌های انسانی کشور صید شده و چه بسا در بازار فروخته شده و به مصرف هم رسیده است.

### یاد

## کوچ تلخ یک طنزپرداز



رویا صدر

تازه‌ای را برای انعکاس نگاه خود جست‌وجو کنند. سروده‌هایش در نشریات مهم طنز از جمله توفیق و کشکیات و کاریکاتور چاپ شده است. او بیشتر شعر می‌گفت و در این میان از سبک‌ها و قالب‌های مختلف و متنوع کمک می‌گرفت. سروده‌هایش در بسیاری از اوقات عمیق و دارای ارزش شعری بود و تلخی غریبی داشت که از فکاهی‌نویسی صرف فاصله می‌گرفت و آتارش را از نوشته‌های بسیاری از فکاهی‌نویسان هم‌دوره‌اش متمایز می‌کرد. برای مثال وقتی سربه‌سگذاشتن با نوپردازان یکی از قالب‌های شعرهای نو نشریات طنز بود، او، واقعا طنز در قالب شعر نو می‌گفت و از شوخی با این قالب فراتر می‌رفت. نگاه عمیق او به طنز حتی در عنوان سه مجموعه شعر طنزش: «شکل دگر خندیدن»، «همچو شرر خندیدن» و «مشکل حکایتی است» متجلی است. صالحی آرام در پیام روزوی امسال، آرزو کرد که سال نو، مثل سال‌های گذشته نباشد... و نبود، بلکه بدتر از سال‌های گذشته بود. نشان به آن نشان که در کنار رخدادهای تلخی که شاهدش بودیم وجود نازنین او نیز باباورانه از میان ما رفت. دریع و هزار دریع.



محمد صالحی آرام

باشد که بعدها چراغ راهی شود. «محمد صالحی آرام» از اواسط دهه ۳۰ عضو هیئت تحریریه روزنامه اطلاعات و از پیش‌کسوتان روزنامه‌نگاری بود که در اطلاعات طنز هم می‌نوشت. از معدود بازماندگان نسل طلایی طنز دهه ۴۰ بود که سعی می‌کردند بازتاب زبان زمانه خود باشند و راه‌های

### سلام به فردا

## فریب پاول پیشبرد جنگ



فریدون مجلسی

تصور می‌کرده که باید این مسئله را بیان کند. دلایل این‌را که دولت آمریکا وزیر امور خارجه خود را فریب داد تا وارد جنگ شود، باید در رویدادهای سال ۲۰۰۰ جست‌وجو کرد. مهم‌ترین دلیل این بود که آمریکا در مورد اقدامات القاعده در آن سال‌ها بسیار شگفت‌زده شده و لطمه حیثیتی هم دیده بود. برای همین خواهان یک واکنش شدید و سریع بود تا کمی اعصاب حیثیت کند. اما اینکه آنها صدام حسین را انتخاب کردند به این خاطر بود که نزدیک‌ترین چهره برای واردکردن چنین انگ‌هایی به شمار می‌رفت. او پنهان از ان‌پی‌تی رو به توسعه انرژی هسته‌ای خودش بود آن هم با رویکرد ساخت بمب اتمی؛ زیرا در زمان جنگ ایران و عراق هم نوید داده بود که بزودی با یک سلاح جهنمی ایران را شکست خواهد داد. علاوه بر آن عراق چند بار از سلاح شیمیایی هم استفاده کرده بود. برای همین واردکردن چنین اتهامی به صدام خیلی راحت بود و پراحتی هم می‌شد حتی بلندپایه‌ترین مقامات دنیا را با آن فریب داد. به نظر من آنچه موجب شد تا این جریان فریب در دولت آمریکا شکل بگیرد که آنها بخواهند وزیر امور خارجه را فریب دهند تنها و تنها به این دلیل بود که می‌دانستند اگر به پاول واقعیت را بگویند با آنها همراه نخواهد شد و آنها هم به دنبال به‌راه‌انداختن قطعی جنگی علیه بحران‌های القاعده بودند. برای همین هم عملیات فریب پاول را پیش بردند که به یک اتفاق ناگوار جهانی و یک بدنامی برای دولت آنها در برخورد با اعضای کابینه‌اش منجر شد.



کالین پاول شصت‌وپنجمین وزیر امور خارجه ایالات متحده بر اثر ابتلا به کووید ۱۹ درگذشت. او یکی از مهم‌ترین چهره‌های سیاسی آمریکا و جهان بود که در اتفاقات رخ‌داده در خاورمیانه معاصر نقش مؤثری داشت. چراکه همه او را با آن سخنرانی معروف پنجم فوریه ۲۰۰۳ در سازمان ملل می‌شناسند. سخنرانی‌ای که منجر به اجماع جهانی برای حمله به عراق شد. کالین پاول یک ژنرال نظامی خوش‌نام در ایالات متحده بود اما هیچ‌گاه چهره جنگ‌طلبی در سپهر سیاسی آمریکا شناخته نمی‌شد. مشهور است زمانی که در ارتش هم عهده‌دار مسئولیت‌هایی بود همیشه تلاشش بر این بوده که بحران‌ها و اختلافات را از راه‌حل دیپلماتیک حل کند و کمتر به سراغ جنجال و حواشی پردرسر می‌رفته. برای همین هم جورج بوش پسر تصمیم گرفت روی موح خوش‌نامی و اعتبار کالین پاول سوار شود و او را وزیر امور خارجه دولت محافظه‌کار و جمهوری‌خواه خودش کرد. اگرچه این انتخاب و اعتماد متقابل بعدها به یک ناراحتی و دلخوری عمیق برای پاول از هم‌حزبی‌های خودش تبدیل شده است. چراکه بر پایه اطلاعات اشتباهی که از سوی همین دولت و حزب به او داده شده گزارشی را در سنا مطرح و تصمیمی را مصوب کرد که به جنگ انجامید. در واقع می‌توان گفت پاول دروغ نگفته بلکه اطلاعات نادرستی به او داده شده و به او اطمینان داده شده که درست است و او هم براساس همان اطلاعات سخنرانی کرده است. کشف همین موضوع هم موجب رنجش او شده و این ناراحتی را اعلام کرده چراکه از لحاظ اخلاقی

### زیر آسمان

## پایان یک باور اشتباه درباره تئلیتی‌ها

کنسرت برحاشیه استانبول امیر تئلو یکی از مهم‌ترین ترندهای چند روز اخیر شبکه‌های اجتماعی بود. ویدئوهای فراوان از ایرانی‌هایی که صف‌های طولانی در استانبول تشکیل داده بودند و شش هزار نفری که به زور خودشان را به سالن رسانده بودند تا شاهد دو ساعت کنسرت او باشند. استقبال عجیب از این کنسرت از یک سو و اتفاق‌ها و رویدادهای حاشیه‌ای از سوی دیگر باز هم بحث امیر تئلو و تئلیتی‌ها را در فضای عمومی ایران باز کرد. امیرحسین مقصدولو یا امیر تئلو چه زمانی که در ایران بود و چه زمانی که از ایران رفت همیشه یک چهره جنجالی بود. یک رپر زیرزمینی که طرفداران افراطی فراوانی دارد و به مدد داشتن این حجم بالای مخاطب احساس قدرت می‌کند. او در ایران با دستگیری‌های چندباره‌اش و سپس چرخش به سمت سیستم رسمی و خروج از فعالیت‌های زیرزمینی شناخته می‌شد، چه آن زمان که بازداشت شده بود و چه زمانی که به کمپین انتخاباتی یکی از کاندیداها پیوسته بود، به دنبال به‌رخ‌کشیدن لشکری از هوادارانش بود. لشکری که او آنها را «تئلیتی» می‌خواند. با ظهور شبکه‌های اجتماعی این لشکرکشی نمایش بیشتری هم پیدا کرد و در مقطعی تئلو با بهنوش بختیاری بر سر تصاحب عنوان پرتطرفدارترین پابلیک‌فیچور ایرانی دعوا و جدال داشتند. البته تاثیر و بروز و ظهور طرفداران تئلو واقعا هم بیشتر بود؛ اما پیوند خوردن او با سیاست در ایران مصادف شد با آخرین روزهای حضورش در کشور.

ایستادن روی عرشه یک ناو ارتش و خواندن آهنگی برای انرژی هسته‌ای از یک سو و دیدار با سیدابراهیم رئیسی در اولین کمپین انتخاباتی او در سال ۱۳۹۶ آخرین حضور او در فضای ایران بود. بعد از آن و احتمالاً به این دلیل که با این تغییر روش‌ها هم او از یک خواننده زیرزمینی به یک خواننده رسمی بدل نشد باعث شد تا او از ایران مهاجرت کند. مهاجرتی که با حواشی بیشتری برای او همراه بود. تئلو در خارج از ایران بی‌پروا تر شد و صفحه او در اینستاگرام به محلی برای بحث‌های چالشی تبدیل شد. عبور او از خط قرمزهای فراوان موجب شد تا یک بار صفحه او با بیش از چهار میلیون دنبال‌کننده بسته شود. مفاهیمی مانند کودک‌آزاری و تجارت زنان و دختران که به صورت علنی از سوی او در صفحه‌اش تبلیغ می‌شد موجب شد تا حجم بالایی از کاربران فارسی صفحه او را ریپورت کنند و نهایتاً صفحه‌اش بسته شود؛ اما همه این تهدیدها و واکنش‌های منفی موجب نشد تا او از روش خود دست بکشد. کم‌اینکه در همین کنسرت معروف هم با وجود تذکراتی از پلیس ترکیه به تئلو به دلیل صحبت علنی درباره مخدر «گل» احتمال تعطیلی کنسرتش داده می‌شد.

او پیش‌تر در گرجستان کنسرتی برگزار کرده بود که به دلیل استعمال برخی مخدرا روی استیج به یک موضوع چالشی تبدیل شد و حواشی فراوانی به همراه داشت. با این پیش‌زمینه پلیس ترکیه به او تذکر داده بود که هرگونه تبلیغ یا صحبت درباره این موضوعات منجر به هزینه‌های سنگینی برای او می‌شود. به‌هرحال این مسئله موجب مداخله پلیس و تعطیلی نیم‌ساعته کنسرتش شد. اما چیزی که در فضای فارسی و بعد از کنسرت اخیر باعث بحث‌های فراوانی شد تعداد زیاد حاضران در سالن بود. پیش از این همیشه گفته می‌شد که لشکر تئلیتی‌ها نوجوان‌های ایرانی هستند اما ویدئوهای این کنسرت نشان داد که آنها نه نوجوان بلکه آدم‌های عاقل و بالغی بودند که برای رسیدن به سالن زدوخوردهایی هم در خیابان داشتند.

به‌هرحال به نظر می‌رسد این کنسرت پایانی بود بر افسانه دامنه نفوذ تئلو در میان نوجوانان یا یادآوری اینکه طرفداران نوجوان تئلو اکنون جوانانی هستند که برای رسیدن و حضور در کنسرت او سسر از یا نمی‌شناسند و حاضرند با خرید بلیت ۱۰ تا ۲۵ دلاری بخشی از درآمد یک میلیون دلاری او از کنسرت را فراهم کنند.

### اتفاق



**هالیوود ریپورتز:** علاقه‌مندان به بتمن این هفته خبر خوشحال‌کننده‌ای شنیدند. اینکه احتمالاً کریستین استوارت قرار است نقش جوکر را در مقابل بتمن با بازی رابرت پتینسون بازی کند. این احتمال در جریان کمپین رسانه‌ای برای انتخاب ستاره فیلم «اسپنسر» در نقش جوکر تقویت شد. تاکنون جک نیکلسون، هیت لجر و واکین فینیکس نقش جوکر را بازی کرده‌اند.

**دبلی‌میل:** دیوید بکهام رقمی باورنکردنی برای تبلیغ جام جهانی ۲۰۲۲ از قطر دریافت کرده است. طبق اعلام رسانه‌های انگلیسی بکهام به دلیل تجارتش در مدلبلیگ با دولت قطر قراردادی ۱۰ساله امضا کرد تا سفیر این کشور در جام جهانی ۲۰۲۲ شود. دیوید بکهام برای تبلیغ جام جهانی قطر مبلغ ۱۵۰ میلیون پوند از قطری‌ها دریافت کرده است.

**بی‌بی‌سی:** با گذشت چند روز همچنان خبر شلیک الک بالدوین در صحنه فیلم‌برداری یک فیلم وسترن و مرگ یکی از عوامل فیلم موضوعی داغ و مورد توجه رسانه‌هاست. روز گذشته اسناد دادگاهی در ایالت نیومکزیکو آمریکا منتشر شد که نشان داده قبل از شلیکی که منجر به مرگ مدیر فیلم‌برداری شد به الک بالدوین گفته شده که اسلحه ایمن است.

**رویترز:** اتلا مرکل، صدراعظم آلمان زنان بیشتری را تشویق کرد تا در عرصه سیاسی آلمان مشارکت داشته باشند. مرکل گفت: ما هنوز نتوانسته‌ایم زنان زیادی را برای سیاست ترغیب کنیم. به طور کلی، کار بیشتری باید انجام شود تا زنان اعتمادبه‌نفس بیشتری پیدا کنند؛ زیرا در زمان حضور زنان، آنها برای تصاحب ریاست با یکدیگر کشتی نمی‌گیرند.

**ورایتی:** گفته می‌شود «رایان گاسلینگ» قرار است به پروژه پرسوعدای «باربی» اضافه شود. فیلم «باربی» را «گرتا کرویک» قرار است براساس فیلم‌نامه مشترکی از خودش و «نِوآ بامبک» کارگردانی کند. پیش از این حضور مارکو رابی در این فیلم قطعی شده بود و حالا رایان گاسلینگ قرار است نقش مقابل مارکو رابی را بازی کند.